

The Role of Absolute Domination in the Principles of Civil Liability in Islamic Jurisprudence and Iranian Law*

Ahmad Deylami¹ 

1. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
A-Deylami@qom.ac.ir



Abstract

The concept of civil responsibility is part of involuntary liability and consists of several components. Among these foundational elements, the basis itself plays a more prominent and essential role; thus, identifying the foundation or foundations of civil responsibility is highly significant in all legal systems. Can pure dominance (without actual destruction or utilization) be considered one of the bases of civil responsibility and grounds for involuntary liability in Iranian jurisprudence and law? This question gains additional importance as most available civil responsibility literature does not mention this concept alongside other bases of civil responsibility, and most legal scholars have set it aside without clear justification. This paper aims to answer this question using descriptive, critical, and analytical methods and to critique related arguments and academic practices. According to this study's findings, pure dominance is

* **Cite this article:** Deylami, A. (2024). The Role of Absolute Domination in the Principles of Civil Liability in Islamic Jurisprudence and Iranian Law. *Journal of Fiqh*, 31(118), 7-32.
<https://doi.org/10.22081/jf.2024.68045.2749>.

📄 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

📅 **Received:** 2023/12/08 • **Revised:** 2024/04/12 • **Accepted:** 2024/10/31 • **Published online:** 2024/11/20

© © **The Authors**



an important foundation of civil responsibility and involuntary liability in Iranian jurisprudence and law. It seems to be a unique feature of this legal system, providing broader avenues for compensation and lacking an equivalent institution in other legal systems.

Keywords

Pure dominance, foundation of civil responsibility, grounds for involuntary liability, usurpation, and quasi-usurpation.



سهم استیلای محض از مبانی مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران*

احمد دیلمی

۱. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
A-Deylami@qom.ac.ir



چکیده

نهاد مسئولیت مدنی بخشی از ضمان قهری است و از چند مؤلفه تشکیل می‌شود. از میان این عناصر سازنده، مبنای آن نقش برجسته‌تر و اساسی‌تری بر عهده دارد؛ از این رو تعیین مبنا یا مبانی مسئولیت مدنی در همه نظام‌های حقوقی اهمیت بسیاری دارد. آیا در فقه و حقوق ایران می‌توان از استیلای محض (بدون اتلاف و استیفاء) به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی و موجبات ضمان قهری یاد کرد؟ طرح این پرسش از آن رو اهمیت مضاعف می‌یابد که در اکثریت متون موجود مسئولیت مدنی، نشانی از این عنوان در کنار مبانی مسئولیت مدنی دیده نمی‌شود و بیشتر نویسندگان حقوقی، بدون توجیه روشنی آن را کنار نهاده‌اند. هدف این نوشتار آن است که به روش توصیفی، انتقادی و تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد و به نقادی استدلال‌ها و رویه علمی آن پردازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، استیلای محض از مبانی مهم مسئولیت مدنی و ضمان قهری در فقه و حقوق ایران است و به نظر می‌رسد یکی از امتیازات این نظام حقوقی است که ظرفیت جبران خسارات بیشتری را فراهم می‌سازد و نهادی مشابه آن در دیگر نظام‌های حقوقی مشاهده نشده است.

کلیدواژه‌ها

استیلای محض، مبنای مسئولیت مدنی، موجبات ضمان قهری، غضب و شبه غضب.

* **استناد به این مقاله:** دیلمی، احمد. (۱۴۰۳). سهم استیلای محض از مبانی مسئولیت مدنی در فقه و حقوق ایران. فقه، ۳۱(۱۱۸)، صص ۷-۳۲.

<https://doi.org/10.22081/jf.2024.68045.2749>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱



مقدمه

مسئولیت مدنی یک موقعیت و وضعیت حقوقی است که شخص دارنده آن را در معرض پیامدها و آثار آن، یعنی الزام به جبران خسارت قرار می‌دهد؛ به بیان دیگر به معنای «برعهده‌داشتن جبران خسارت وارده به اشیای مالی متعلق به دیگران است (Cornu, 1996, pp. 740-741; Campbell, 1993, p. 1312) و از عناصری تشکیل می‌شود که مهم‌ترین آنها در اصطلاح حقوقی «مبنا» و در مصطلح فقهی «موجب» نام دارد. مبنای مسئولیت مدنی اصلی‌ترین پاسخی است که به پرسش از چرایی مسئول قلمداد کردن شخص معین نسبت به جبران خسارتی معین داده می‌شود و مهم‌ترین دلیلی است که اقامه دعوی الزام به جبران خسارت علیه خواننده را توجیه می‌کند؛ به بیان دیگر مبنای مسئولیت مدنی عنصر اصلی سازنده آن و عاملی است که به منزله «مقتضی» پیدایش مسئولیت مدنی به شمار می‌آید. بی‌شک این مبانی در فقه حقوق ایران متعدد هستند؛ اگرچه نسبت به تعداد و عناوین آنها اتفاق نظر وجود ندارد. درباره اتلاف (اعم از مباشرت و تسبیب) به عنوان مبنای مسئولیت مدنی اتفاق نظر وجود دارد؛ ولی در مورد «استیلا محض» این‌گونه نیست و در عمل در بیشتر مکاتبات مسئولیت مدنی جایی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۳۳-۳۵؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، صص ۲۳، ۴۷ و ۶۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶، صص ۱۷ و ۱۸۵؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، صص ۵۷ و ۱۲۶؛ بابایی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۹)؛ در حالی که گونه‌ای از آن با عنوان «غصب» از «موجبات» نامدار ضمان قهری در فقه است (بروجردی، ۱۴۱۳ق، صص ۱۲۷، ۱۶۵ و ۱۷۶؛ ناینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۹۰؛ ناینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹؛ موسوی خویی، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۸) و در ماده ۳۰۷ ق.م. به صراحت از آن با همین عنوان یاد شده است. هدف این نوشتار آن است که پس از اشاره به دلایل کنار گذاشته شدن آن از مبانی مسئولیت مدنی در اغلب آثار حقوقی منتشر شده، نقش انواع آن به عنوان مبنایی مستقل از دیگر مبانی، در مسئولیت مدنی مشخص گردد. تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره غصب به عنوان یکی از موجبات ضمان قهری انجام شده است؛ ولی این پژوهش‌ها دست کم از سه جهت با این نوشتار تفاوت دارند: نخست اینکه در آنها غصب به عنوان یکی از موجبات

ضمان قهری مطرح شده که مسئولیت مدنی تنها بخشی از آن است؛ ثانیاً در آنها محور بحث «غصب» است که تنها گونه‌ای از «استیلا محض» است (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۴۱۸-۴۱۹ و ۴۳۰؛ نوری، ۱۴۱۴ق، صص ۲۴-۲۶؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، صص ۴۹ و ۵۱) که در اینجا بررسی می‌گردد؛ ثالثاً در حدود جستجوی نگارنده، در هیچ‌یک از آن تحقیقات، استقلال «استیلا محض» به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی در کنار مبانی دیگری مانند اتلاف و تسبیب، موضوع اصلی پژوهش نبوده است. برای دستیابی به اهداف این تحقیق لازم است نخست مفهوم «استیلا محض» توضیح داده شود و سپس دلایل کنار گذاشته شدن آن از مبانی مسئولیت مدنی در اغلب آثار حقوقی منتشر شده بررسی و نقد گردد و آن‌گاه دلایل اثبات استقلال «استیلا محض» به عنوان مبنای ضمان و مسئولیت مدنی تبیین شود و در ادامه نقش هر یک از گونه‌های مختلف آن در ضمان و مسئولیت مدنی به طور مشخص بیان شود.

گفتنی است مراد از مسئولیت مدنی در این نوشتار، اعم از این است که ورود ضرر ناشی از نقض، تکلیف عام قانونی یا ناشی از نقض تکلیف خاص قراردادی باشد؛ یعنی بحث در مسئولیت مدنی به مفهوم عام است.

۱. تعریف «استیلا محض»

شاید واژه ترکیبی «استیلا محض» برای نخستین بار در این نوشتار استفاده می‌شود. دلیل ضرورت استفاده از این واژه آن است که به نظر می‌رسد مغفول واقع شدن نقش «استیلا»^۱ به عنوان یک مبنای مستقل برای ضمان و مسئولیت مدنی، بیشتر از این ناشی می‌شود که از یک سو، تحت الشعاع اتلاف و استیفای مقرون به استیلا واقع شده و از سوی دیگر تحت الشعاع غصب و استیلا عدوانی قرار گرفته است. طرح واژه «استیلا محض» به این معناست که این عنوان با چشم‌پوشی از آن عنوان‌ها، دارای نقشی اساسی در ایجاد مسئولیت مدنی است؛ پس «استیلا محض» مفهومی است که از مقایسه استیلا

1. Domination.

در مفهوم عام با دیگر موجبات و مبانی ضمان قهری و مسئولیت مدنی به دست می‌آید؛ از این رو لازم است نخست اشاره‌ای به معنای عام استیلا صورت گیرد و سپس انواع آن از جهت نوع رابطه‌ای که با دیگر مبانی و موجبات ضمان قهری دارند، بررسی شوند تا مفهوم و جایگاه «استیلاي محض» بیشتر روشن گردد.

۱-۱. تعریف استیلا

استیلا در لغت به معنای دست یافتن، دست گذاشتن، در اختیار گرفتن و چیره شدن بر چیزی است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۱۷۶؛ جز، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸۳). در فرهنگ حقوقی و فقهی نیز مفهوم استیلا چیزی جز همان مفهوم لغوی آن نیست (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۴۱۸-۴۲۰؛ رشتی، بی تا، ص ۳؛ بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، صص ۵۰-۵۱). توضیح انواع استیلا، حقیقت این واژه را آشکارتر خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌های استیلا که به‌ویژه در حقوق مسئولیت مدنی و ضمان قهری مفید است، به شرح زیر است:

۱-۲. انواع استیلا (از جهت رابطه آن با موجبات دیگر ضمان قهری)

استیلا از جهت‌های مختلف به انواعی تقسیم می‌شود؛ برای مثال از جهت رابطه‌ای که با دیگر مبانی و موجبات مسئولیت مدنی و ضمان قهری دارد و از جهت عنصر مادی (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۴۲۰-۴۲۵) و عنصر معنوی، یعنی وضعیت روانی فاعل (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۳)؛ از جهت مالک مال و از جهت آنچه که تحت استیلا قرار می‌گیرد؛ یعنی عین با منفعت، عین بدون منفعت، منفعت بدون عین و یا حق (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۱۴، ۱۵ و ۲۹-۳۳)؛ نیز از جهت طرفی که دیگران بر مال یا حق او استیلا پیدا کرده‌اند، به استیلا بر مال شخص، استیلا بر مال نوع (صنف) و استیلا بر مال متعلق به جهت تقسیم می‌پذیرد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶). هر کدام از این انواع از احکام و آثار ویژه خود برخوردار و شایسته بررسی جداگانه است. مهم‌ترین فایده بیان انواع استیلا از جهت رابطه آن با موجبات دیگر ضمان قهری، پی بردن به استقلال استیلا در ایجاد ضمان قهری و مسئولیت مدنی، و تا حدودی آشنایی با طبقه‌بندی

موجبات ضمان قهری است. استیلا را از جهت رابطه آن با موجبات دیگر ضمان قهری، می‌توان به سه قسم زیر تقسیم کرد:

۱-۲-۱. استیلائی همراه با استیفای منافع

گاهی شخصی که مال دیگری را به هر شکلی از اشکال استیلا، غاصبانه یا غیرغاصبانه در اختیار می‌گیرد، از منافع یا حقوق ناشی از آن نیز بهره‌برداری می‌کند و چه بسا هدف اصلی او استیفا و بهره‌برداری از مال دیگری است؛ در این صورت با وجود استیفا، برای اثبات مسئولیت و ضمان بودن آن شخص، به استیلا استناد نمی‌توان کرد و استیفا بر استیلا مقدم قرار داده می‌شود. البته مراد استیفای از منافع آن مال است؛ نه استفاده و مصرف عین مال؛ زیرا استفاده از عین مال و مصرف آن در فرهنگ فقهی و نظام حقوقی ایران گونه‌ای اتلاف به شمار می‌آید (غروری اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۲۵)؛ از این رو در مبحث استیفای قانون مدنی ایران، تنها استیفا از منافع مال یا کار و خدمات دیگری نام برده شده است؛ بنابراین در اینجا اجتماع استیلا با استیفای منافع مراد است.

۲-۲-۱. استیلائی همراه با اتلاف (اعم از مباشرت و تسبیب)

ممکن است استیلا با اتلاف همراه باشد؛ در این صورت اتلاف بر استیلا مقدم است و برای اثبات پیدایش مسئولیت مدنی و در نتیجه الزام به جبران خسارت، باید به اتلاف (اعم از مباشرت و تسبیب) استناد گردد؛ حتی اگر اتلاف را شخصی غیر از مستولی انجام دهد، در نهایت متلف مسئول جبران خسارت خواهد بود؛ حتی اگر به طور بدوی مستولی غیر متلف مسئولیت تضامنی داشته باشد (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱).

۳-۲-۱. استیلائی محض

گاه شخصی مال دیگری را صرفاً در اختیار گرفته است (اعم از اینکه غاصبانه باشد یا نه)؛ بدون اینکه از آن بهره برده یا آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم اتلاف کرده باشد؛ ولی در همان حال که وی مال دیگری را در اختیار دارد، این مال با عوامل طبیعی

از میان می‌رود یا آسیب می‌بیند. این نوع از استیلا را در مقایسه با دو نوع قبل، می‌توان «استیلاي محض»^۱ نامید. استقلال استیلا به عنوان مبنا و موجب مسئولیت مدنی و ضمان قهری در این صورت آشکار می‌شود. البته ایجاد مسئولیت و ضمان بر اساس «استیلاي محض» شرایطی دارد که بیشتر با توجه به انواع استیلا در تقسیم بعدی روشن می‌گردد.

۲. بررسی و نقد دلایل کنار گذاشتن استیلاي محض از مبانی مسئولیت مدنی

با توجه به اینکه در فقه و قانون مدنی ایران ضمان ید (استیلا) از موجبات مشهور و مسلم ضمان مدنی است، از این رو منطقی است که ابتدا دلایل جدا انگاری آن از مبانی مسئولیت مدنی بررسی و نقادی گردد:

۱-۲. دلایل کنار گذاشتن استیلاي محض از مبانی مسئولیت مدنی

مهم‌ترین دلایل کنار گذاشتن استیلاي محض از مبانی و موجبات مسئولیت مدنی، به شرح زیر است:

۱-۱-۲. در غضب (استیلاي نامشروع)، بازگرداندن عین مال مغضوب موضوع اصلی است و دادن بدل (مثل یا قیمت) به طور تبعی مورد توجه است؛ در حالی که در مسئولیت مدنی موضوع اصلی جبران خسارت و بازگرداندن وضع به حالت سابق است و بازگرداندن عوض تنها گونه‌ای از آن به شمار می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵).

۲-۱-۲. قلمرو استیلاي محض و نامشروع حتی شامل ایفای ناروا و استیفای نامشروع و بدون جهت هم می‌شود و در غضب منحصر نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶).

۳-۱-۲. مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به دیگری است؛ چه در نتیجه استیلاي نامشروع باشد یا خیر؛ به عبارت دیگر اضرار لازمه استیلاي نامشروع نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۶).

۴-۱-۲. آثار مسئولیت مدنی با آثار استیلاي نامشروع یکسان نیست؛ زیرا از یک سو

1. Pure Domination.

آثار استیلائی نامشروع به رد عین مال یا بدل آن و حداکثر منافع منحصر است؛ درحالی که در مسئولیت مدنی فاعل فعل زیانبار مسئول تمام آثار مستقیم ناشی از آن است. از سوی دیگر اگر عین یا منفعت مالی تلف نشده باشد، استیلائی نامشروع وجود ندارد؛ ولی ممکن است مسئولیت مدنی نسبت به زیان‌های معنوی یا جسمانی (بدنی) وجود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷).

۵-۱-۲. مبنای اصلی مسئولیت مدنی تقصیر است و در مسئولیت مبتنی بر تقصیر وجود رابطه علیت لازم است؛ درحالی که در مسئولیت مبتنی بر استیلائی نامشروع، وجود رابطه سببیت یا استناد عرفی لازم نیست؛ از این رو مسئولیت ناشی از استیلائی نامشروع، استثنایی بر مسئولیت مدنی، سببی اصیل و مستقل در برابر آن است (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷).

۲-۲. بررسی و نقد

به نظر می‌رسد دلایل پیش گفته برای اثبات خروج استیلائی محض از قلمرو مسئولیت مدنی کافی نیست؛ زیرا:

۲-۲-۱. برای اینکه استیلائی نامشروع از مبانی مسئولیت مدنی قلمداد گردد، لازم نیست که اثر اصلی آن جبران ضرر باشد؛ بلکه کافی است که در فرض تلف و ایراد ضرر بتوان مسئولیت جبران آن را بر مبنای استیلائی محض نامشروع توجیه کرد. تردیدی نیست که در فرض ورود ضرر به مال تحت استیلائی نامشروع، مستولی مسئول جبران ضرر است؛ حتی اگر ضرر به فعل وی مستند نباشد (م. ۳۱۵ ق.م)؛ افزون بر این رد بدل عین، گونه‌ای جبران خسارت محسوب می‌گردد (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، صص ۶۸-۷۰).

۲-۲-۲. اینکه قلمرو استیلائی نامشروع و محض حتی شامل ایفای ناروا و استیفای نامشروع می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶)؛ به نظر می‌رسد به این علت است که ایفای ناروا در فقه و حقوق ایران، نهاد مستقلی نیست و چنان که در پی می‌آید، به استیلائی محض نامشروع بر می‌گردد. اما استیفای نامشروع، جوهری جداگانه از استیلائی محض دارد و در نهاد استیفاء جای می‌گیرد و خارج از استیلائی محض و مسئولیت مدنی است؛

اگرچه ممکن است در یک مصداق مرکب خارجی با آنها جمع گردد؛ پس بازگشت ایفای ناروا به استیلائی نامشروع، مانع ورود استیلائی محض در قلمرو مسئولیت مدنی نیست؛ زیرا تعریف مبنای مسئولیت مدنی بر آن صادق است.

۲-۲-۳. اینکه مسئولیت مدنی به عنوان یک مسبب و اثر، موجبات و مبنای دیگری غیر از استیلا داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۶)، مانع نمی‌شود که استیلا از مبنای آن نباشد. چنان‌که در همه نظام‌های مسئولیت مدنی کثرت گرا، چنین است؛ همچنین اینکه استیلائی نامشروع در برخی فرض‌ها آثار دیگری غیر از مسئولیت مدنی داشته باشد، مانع از این نیست که در فرضی که موجب ضرر دیگری می‌گردد، از موجبات مسئولیت مدنی به شمار آید. چنانکه ممکن است عملی (مانند تقصیر عمدی)، در شرایطی (بدون ایراد ضرر مالی) تنها یک جرم باشد و همان عمل در صورت ایجاد ضرر، افزون بر جرم بودن و ایجاد مسئولیت کیفری، یک خطای مدنی و موجب مسئولیت مدنی نیز به شمار آید.

۲-۲-۴. در نقد اینکه استیلائی محض برخی از آثار مسئولیت مدنی را در بر نمی‌گیرد و برخی از ضررها را جبران نمی‌کند، می‌توان گفت که در برخی از نظام‌های مسئولیت مدنی کثرت گرا، از جمله در نظام حقوقی انگلیس (Cane, 1987: pp. 2-13; Horsey, 2012, pp. 2-3)، ایران و اسلام، قلمرو جبران خسارت تابع مبنای آن است؛ نیز ممکن است برخی از خسارت‌ها در فرض وجود یک مبنای جبران‌پذیر و در فرض وجود مبنای دیگری جبران‌ناپذیر باشد؛ بنابراین جبران خسارت معنوی یا بدنی تابع مبنای توجیهی آن است؛ مثلاً برخی از فقها حقوق مالی را مشمول ضمان مبتنی بر استیلا نمی‌دانند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۲۰)؛ در حالی که همین حقوق را مشمول ضمان مبتنی بر اتلاف به شمار آورده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱).

۲-۲-۵. اینکه تقصیر مبنای اصلی مسئولیت مدنی به طور عام یا در نظام حقوقی ایران باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷)، یک نظریه در باب مبنای مسئولیت مدنی است و نمی‌توان حقیقت مسئولیت مدنی را بر آن پایه تحلیل کرد؛ افزون بر این بر فرض که چنین باشد، مانع از این نیست که در کنار مبنای غالب، مبنای دیگری هم در قلمرو

محدودتری توجیه‌کننده مسئولیت مدنی باشند. حتی در نظام حقوقی فرانسه که خاستگاه نهاد مسئولیت مدنی است و در آنجا تلاش‌های بسیار، اما ناکامی برای دفاع از تقصیر به عنوان تنها مبنای مسئولیت مدنی صورت گرفته است، از مسئولیت مدنی بدون تقصیر سخن گفته می‌شود. در ماده ۳۰۷ ق.م ایران نیز استیلا و اتلاف مبنای ضمان و جبران خسارت قرار داده شده است. با توجه به ناتمام بودن دلایل پیش گفته، در ادامه دلایل استقلال «استیلاي محض» را بررسی می‌کنیم.

۳- دلایل اثبات استقلال «استیلاي محض»؛ به عنوان مبنای ضمان و مسئولیت مدنی

این دلایل را می‌توان در دو گروه دلایل فقهی و قانونی به شرح زیر جای داد:

۳-۱. دلیل فقهی

ضمان و مسئولیت‌آوردن «استیلا» در فقه و حقوق اسلام ریشه دارد و به طور مشخص بر قاعده «ضمان ید» مبتنی است. این قاعده برگرفته از حدیث رسول خدا ﷺ است که فرمود: «علی الید ما اخذت حتی تؤدی؛ بر عهده گیرنده [مال دیگری] است، آنچه گرفته است تا [زمانی که] آن را ادا کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۸۸)؛ یعنی کسی که مال دیگری را می‌گیرد، مسئول و ضامن آن مال است تا زمانی که آن را به صاحبش برگرداند. بحث درباره ابعاد مختلف این قاعده بسیار مفصل و از حوصله این نوشتار خارج است؛ اما از نظر اکثریت فقها مراد از «ید» در این قاعده، استیلا است (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۴۱۸-۴۲۰)؛ از این رو می‌توان از آن به عنوان «قاعده ضمان استیلا» یاد کرد. اگرچه در نظر برخی از فقیهان مراد از «ید» در این قاعده «تصرف» است که قلمرو محدودتری از استیلا دارد (رشتی، بی تا، ص ۳). مطابق نظر اکثریت فقیهان از جمله مشهورترین مصادیق آن، ضمان ناشی از استیلا بر مال دیگری به موجب یک عقد باطل و فاسد است (انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۸۱). روشن است که در اینجا فرض بر این است که نه اتلافی وجود دارد و نه استیفایی؛ بلکه صرف در اختیار داشتن مال دیگری موجب ضمان و مسئولیت مدنی می‌گردد (موضوع ماده ۳۶۶ ق.م)؛ همچنین است در مورد

ضمان ناشی از عدم اجازه مالک و بطلان معامله فضولی (موضوع ماده ۳۶۶ ق.م.ص ۴۸۳ و ۵۰۵ و موضوع مواد ۲۵۹ و ۲۶۳ ق.م.).

۲-۳. دلایل قانونی

در قانون مدنی ایران در موارد بسیاری در حوزه قراردادی و غیر قراردادی، ضمان بر استیلا مبتنی است. در اینجا تنها به دو مورد اصلی از آنها اشاره می‌شود و برخی نیز در ضمن مباحث بعدی روشن می‌گردد.

۱-۲-۳. «استیلا محض» با عنوان «غصب و در حکم غصب»

بند نخست ماده ۳۰۷ ق.م «غصب و آنچه در حکم غصب است» را در شمار موجبات ضمان قهری آورده و ماده ۳۰۸ ق.م «غصب» را به «استیلا بر حق غیر به نحو عدوان» تعریف کرده است و در توضیح «در حکم غصب» تصریح می‌کند که «اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است». در این دو ماده از سه واژه «غصب»، «استیلا برحق غیر» و «اثبات ید بر مال غیر» استفاده شده است. بدون تردید قانون‌گذار در صدد معرفی مبنا و موجب جداگانه‌ای برای پیدایش ضمان قهری است؛ اما آیا واژه‌های سه‌گانه یادشده گونه‌های مختلفی از بیان یک حقیقت هستند و با هم مترادف‌اند؛ یا انواعی از یک حقیقت و ماهیت را بیان می‌کنند و همه آنها در این حقیقت مشترک‌اند؛ اگرچه هر یک ویژگی خود را دارند یا اینکه برخی از آنها قابل ارجاع و بازگشت به بعضی دیگرند؟

به نظر می‌رسد که «غصب» گونه‌ای از استیلا است و «اثبات ید» نیز همان «استیلا» است؛ از این رو وجه مشترک این سه، عنوان «استیلا» است. استیلا گونه‌های مختلفی دارد که از جهت ضمان و مسئولیت مدنی، هر کدام شرایط و احکامی دارد و حتی از جهت آثار نیز تا اندازه‌ای باهم تفاوت دارند؛ از این رو همان‌طور که برخی از فقها تصریح کرده‌اند شایسته‌تر آن است که محور بحث در اینجا «استیلا» قرار داده شود و «غصب» به عنوان گونه‌ای از «استیلا» و در کنار دیگر انواع آن مورد تحقیق قرار گیرد (کاشف الغطاء،

۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۴۳۹ و ۴۴۰، ماده ۷۷۱) تا همه انواع استیلا مورد شناسایی قرار گیرند و این تصور پدید نیاید که گویا تنها «غصب» از مبانی و موجبات ضمان قهری و مسئولیت مدنی است؛ یا حتی تصور شود که در نظام حقوقی ایران مبانی مسئولیت مدنی تنها اتلاف (اعم از مباشرت و تسبیب) است و در نتیجه «استیلا» از زمره مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران کنار گذاشته شود؛ در حالی که وجود آن یکی از مزیت‌های این نظام حقوقی است.

۲-۲-۳. «استیلائی محض» با عنوان «ایفای ناروا»

نویسندگان حقوق مدنی از مواد ۳۰۱ تا ۳۰۵ قانون مدنی با عنوان «ایفای ناروا» بحث کرده‌اند. اگر به حقیقت ایفای ناروا از طرف دیگر این رابطه حقوقی نگریسته شود، عنوان آن چیزی جز «استیلا» بر مال دیگری نیست و با توجه به شرایط مختلفی که ممکن است گیرنده داشته باشد، در یکی از اقسام بر شمرده شده استیلا جای می‌گیرد؛ همچنین چون در بحث ضمان قهری و مسئولیت مدنی محور بحث، رفتار مسئول و ضامن احتمالی است، از این رو باید این رابطه حقوقی که بیشتر از یک حقیقت در خارج ندارد، از سوی گیرنده مال دیگری مورد بحث قرار داد. بی‌گمان به تبع روشن شدن تکلیف و مسئولیت او، حقوق طرف مقابل هم روشن می‌گردد؛ پس عنوان «ایفای ناروا» تنها وصف گونه‌ای از «استیلا» است که از منظر طرف مقابل (ایفاکننده) به این رابطه حقوقی نگاه شده است و حقیقتی مستقل از استیلا ندارد؛ از این رو بعضی از حقوق دانان بزرگ به این امر توجه داشته‌اند که مسئله «ایفای ناروا» در فقه با عنوان استیلا حل می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶).

ماده ۳۰۱ ق.م.مقرر می‌دارد که گیرنده مال دیگری تکلیف دارد مال را به صاحبش برگرداند، حتی اگر به اشتباه مال دیگری را گرفته باشد. در این ماده در حقیقت یکی از آثار ضمان قهری که جبران خسارت نیست، بیان شده است و این امر یکی از تفاوت‌های ضمان قهری با مسئولیت مدنی است. در ماده ۳۰۲ ق.م. به موازات ماده قبلی، به حق مالک مبنی بر استرداد مال خود اشاره می‌کند؛ در فرضی که مال

کلی و دینی را به صورت غیرواقعی پرداخت کرده است. بی‌گمان این حق استرداد در مورد مالک عین معین هم وجود دارد. مواد ۳۰۳ تا ۳۰۵ ق.م نیز به آثار دریافت و استیلائی ناروا بر مال دیگری مربوط است که در بحث آثار ضمان قهری و مسئولیت مدنی بررسی می‌گردد؛ بنابراین عناصر مؤثر در شکل‌گیری مسئولیت مدنی مبتنی بر استیلائی محض با عناصری که در شکل‌گیری مسئولیت مدنی مبتنی بر اتلاف دخالت دارند، متفاوت‌اند و استیلا خود مبنا و موجبی مستقل در ایجاد مسئولیت و ضمان مدنی است.

۴. انواع استیلائی محض و نقش آنها در ضمان و مسئولیت مدنی

در بخش قبل و به مناسبت اشاره به جایگاه استیلائی محض در قوانین موضوعه ایران، به برخی از انواع کلی آن با عناوینی که در قانون آمده بود و در تعریف استیلائی محض به قسیم‌های آن و جهت این تقسیم و جهت دیگر قابل تقسیم به اجمال اشاره شد. اکنون لازم است به منظور بررسی تحلیلی نقش استیلا در مسئولیت مدنی، نخست انواع آن به تفصیل تحلیل و شناسایی شود و سپس نقش هر یک در این زمینه معلوم گردد. اگرچه برخی از آنها به تخصص یا تخصیص از موجبات ضمان خارج‌اند؛ ولی برای تکمیل اقسام به اختصار از آنها نامبرده می‌شود؛ به‌ویژه که برخی از آنها به خوبی شناخته شده نیست.

جامع‌ترین صورت‌بندی از استیلا و در اختیار گرفتن مال دیگری که مانند آن دیده نشده و یادآوری آن در اینجا به جامعیت و هدف این بحث کمک می‌کند، به قرار زیر است: گرفتن مال دیگری یا بدون اذن وی صورت می‌گیرد و یا با اذن او. اگر بدون اذن او باشد، یا با قهر و عدوان است؛ مانند غصب، سرقت، انکار امانت، غش، تدلیس و مانند آنها که در این صورت ضمان و مسئولیت مطلق وجود دارد؛ یعنی مسئولیت مشروط به تعدی و تفریط است و یا استیلائی غیرمأذون بدون قهر و عدوان است؛ در این صورت گیرنده یا قصد برگرداندن مال به صاحبش را ندارد که این کار در حکم غصب است و یا قصد استرداد مال به صاحبش را دارد. اگر قصد پس‌دادن مال به صاحبش را داشته

باشد یا مالک مال برای او معلوم است و یا معلوم نیست. اگر مالک را بشناسد، وظیفه دارد که فوری مال را به مالک آن برگرداند و تا زمانی که مال را با مالکش برگرداند، امین محسوب می‌گردد؛ ولی اگر در این مدت تعدی و تفریط کند، مصونیت ناشی از امانت را از دست می‌دهد و ضامن است؛ ولی اگر مالک را نشناسد، یا مال را در اماکن عمومی مثل راه و بیابان پیدا کرده است که در این صورت مال عنوان «لقطه»، یعنی «مال پیدا شده» را دارد و تابع احکام لقطه است و یابنده امین و ضامن وی مشروط به تعدی و تفریط است و باید طبق احکام لقطه رفتار کند؛ ولی اگر صاحب مال را نشناسد، در نهایت باید آن را به حاکم بسپارد؛ ولی اگر مال را در اماکن خصوصی مانند خانه، مغازه یا انبار خود پیدا کند، مال مجهول المالك است و باید طبق احکام آن رفتار کند؛ ولی استیلائی او امانی است و به طور مشروط ضامن است.

اما اگر مال دیگری را با اذن وی در اختیار گرفته باشد: یا این امر در نتیجه یک قرارداد معاوضی صورت گرفته است و یا بدون آن. اگر در نتیجه معاوضه باشد، یا مورد و موضوع این معاوضه خود عین بوده است؛ مانند مالی که در نتیجه عقد باطل گرفته شده است یا برای بررسی‌های قبل از معامله گرفته شده است. در اینجا گیرنده ضامن مطلق و غیر مشروط به افراط و تفریط، نسبت به عین مال یا بدل آن (مثل و قیمت) است. اما اگر مورد و موضوع معاوضه برخی شئون و جنبه‌های عین باشد؛ مانند مورد اجاره، مزارعه و مساقات که در اینجا نیز گیرنده امین و ضامن وی به تعدی و تفریط مشروط است. اگر گرفتن مال دیگری با اذن صاحب آن و بدون معاوضه صورت گیرد؛ اعم از اینکه اذن دهنده صاحب مال باشد و یا شارع و قانون‌گذار چنین اذنی را بدهد، در هر دو حالت استیلائی گیرنده امانی و ضامن او مشروط به تعدی و تفریط است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۹، ۱۷-۱۸).

تقسیم‌های فوق به نسبت جامع و فراگیر است؛ ولی به نظر می‌رسد مطالعه نقش استیلائی محض در قالب صورت‌بندی‌های پیش‌رو، با اهداف این پژوهش سازگارتر است. اگرچه پیش‌تر به برخی از اقسام آن اشاره شد، به منظور استقصای همه اقسام آن و با تفصیل نسبی، همه آنها به شرح ذیل بیان می‌گردند:

۴-۱. انواع استیلاهی محض (از جهت عنصر معنوی)

استیلاهی محض را می‌توان از جهت وضعیت معنوی و روانی کسی که بر مال دیگری دست می‌گذارد و بر آن سلطه می‌یابد و همچنین وضعیت روانی مالک به انواع زیر تقسیم کرد:

۴-۱-۱. استیلاهی محض عدوانی (غاصبانه) و غیرعدوانی

استیلاهی عدوانی (غاصبانه) دو عنصر معنوی دارد: یکی، عدم اذن مالک و دیگری، آگاهی شخصی که مال را در اختیار می‌گیرد به اینکه مال مورد نظر متعلق به دیگری است؛ به بیان دیگر «استیلاهی عدوانی» ترکیبی از استیلاهی غیرامانی و استیلاهی آگاهانه و با سوء نیت است. هرگاه دست کم یکی از دو عنصر معنوی یادشده وجود نداشته باشد، استیلا «غیرعدوانی» خواهد بود؛ از این رو استیلاهی غیرعدوانی خود به دو نوع اهانی و غیرامانی تقسیم می‌گردد.

۴-۱-۲. استیلاهی محض اهانی و غیراهانی

بر اساس نظر اکثریت فقیهان و حقوق‌دانان در صورتی که شخص با اذن مالک مال یا شارع مال دیگری را به دست گیرد، امین به شمار می‌آید و استیلاهی وی بر مال غیر، «اهانی» است؛ در غیر این صورت استیلاهی وی بر مال دیگری «غیراهانی» است. آوردن این مورد در اینجا از این جهت است که در مورد استیلاهی اهانی هم عنوان «استیلا» صادق است؛ اگرچه به دلیلی که توضیح آن در بخش بعدی خواهد آمد، موجب ضمان و مسئولیت مدنی نمی‌گردد (حسینی مراغی، ۱۴۲۵، ج ۲، صص ۴۷۳، ۵۱۲-۵۱۵).

۴-۱-۳. استیلاهی محض احسان‌آمیز و غیراحسان‌آمیز

ممکن است شخصی که مال دیگری را با اذن وی در دست می‌گیرد و استیلاهی وی اهانی است و بی‌گمان می‌داند که مال متعلق به دیگری است، در این کار خود قصد خیرخواهی و احسان به مالک داشته باشد؛ مانند مستودع و یا این چنین نباشد؛ مانند

مستعیر. در فرض نخست می‌توان استیلائی وی را خیرخواهانه و احسان‌آمیز دانست و در فرض دوم، استیلائی وی بدون قصد خیرخواهی و غیراحسان‌آمیز است (بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۲). اینکه فقدان قصد خیرخواهی در ضمان‌آوری این نوع استیلا نقش دارد یا خیر، در بخش بعدی معلوم می‌گردد.

۴-۱-۴. استیلائی محض آگاهانه (با سوء نیت) و ناآگاهانه (با حسن نیت)

چه‌بسا شخص در هنگام استیلا و دست‌یافتن بر مال دیگری آگاه باشد که مال مورد نظر متعلق به دیگری است؛ در این صورت استیلائی او با سوء نیت تلقی می‌گردد؛ مانند استیلائی عدوانی غاصبانه؛ ولی اگر نداند که مال متعلق به دیگری است و با تصور اینکه مال از آن خود وی است، آن را به دست گیرد، استیلائی وی با حسن نیت دانسته می‌شود؛ مانند استیلائی غیرعدوانی غیرامانی و از روی اشتباه.

۴-۱-۵. استیلائی محض غیرعدوانی غیرامانی و در حکم غصب (شبه‌غصب) و غیر آن

مطابق ذیل ماده ۳۰۸ ق.م، «اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است». ظاهر اولیه این عبارت آن است که اگر استیلا عدوانی و غاصبانه و امانی نباشد، در حکم غصب خواهد بود؛ ولی از آنجا که چیزی را در حکم چیز دیگری قرار دادن امری حاکمیتی و مربوط به نظم عمومی است و به‌ویژه در حقوق خصوصی خلاف اصل است، «در حکم چیزی بودن» نیازمند تصریح قانون‌گذار است؛ از این رو ماده ۳۱۰ ق.م تصریح می‌کند که «اگر کسی که مالی به‌عاریه یا به‌ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است»؛ همچنین است ماده ۶۱۶ ق.م؛ یعنی تنها استیلائی غیرعدوانی غیرامانی مسبوق به امانت و مقرون به انکار امانت، در حکم غصب است؛ ولی اگر استیلا غیرعدوانی و در حال حاضر غیرامانی بوده و مسبوق به امانت نباشد که بی‌گمان همراه با انکار امانت نیست، در حکم غصب نخواهد بود؛ مثلاً اگر کسی به دلیل مجاورت، مال دیگری را با تصور اشتباه یا فراموشی، مال خود بداند و در اختیار و استیلا بگیرد و به اصطلاح در این امر با حسن نیت باشد و تصرف وی

مسبوق به امانت و مقرون به انکار امانت نباشد، این تصرف را نمی‌توان در حکم غصب و دارای آثار غصب دانست؛ حتی اگر به عنوان «استیلا محض» تحت شرایطی سبب مسئولیت مدنی و ضمان قهری گردد.

با توجه به تقسیم‌بندی‌های پیش‌گفته، در مجموع شش قسم استیلا محض وجود دارد که عبارت است از: ۱. استیلا محض عدوانی (غصب)؛ ۲. استیلا محض غیرعدوانی امانی و با قصد احسان؛ ۳. استیلا محض غیرعدوانی امانی بدون قصد احسان؛ ۴. استیلا محض غیرعدوانی غیرامانی با سوء نیت و مقرون به انکار امانت (در حکم غصب)؛ ۵. استیلا محض غیرعدوانی غیرامانی با سوء نیت و مقرون به امتناع از رد؛ ۶. استیلا محض غیرعدوانی غیرامانی با حسن نیت.

۲-۴. نقش انواع استیلا محض در ضمان و مسئولیت مدنی

پس از بیان تفصیلی انواع استیلا محض، در ادامه نقش هریک از آنها در مسئولیت مدنی بررسی می‌گردد:

۱-۲-۴. استیلا محض عدوانی (غاصبانه)

مطابق نص بند نخست ماده ۳۰۷ ق.م، این گونه استیلا بر مال دیگری در صورتی که مقرون به ضرر و خسارت بر مال غیر باشد، بدون تردید موجب ضمان قهری و مسئولیت مدنی می‌گردد. این حکم ثابت خواهد بود، حتی اگر این گونه استیلا (غصب) به طور متوالی تکرار گردد؛ چنان که ماده ۳۱۶ ق.م تصریح می‌کند: «اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند، آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است». آثار ضمان مبتنی بر استیلا محض عدوانی (غصب) از جهت قلمرو و انواع خسارت‌های قابل جبران با دیگر موجبات و مبانی ضمان قهری و مسئولیت مدنی تفاوت‌هایی دارند. استیلا محض غاصبانه خود مبنای مستقلی برای مسئولیت مدنی است؛ زیرا بر خلاف حقوق خارجی که در مسئولیت مبتنی بر تقصیر وجود رابطه سببیت را شرط می‌داند و بر خلاف مسئولیت مبتنی بر اتلاف در فقه و قانون مدنی که وجود استناد عرفی بین ضرر و فعل خواننده در آن

شرط است، در مسئولیت مدنی مبتنی بر استیلا محض این امر شرط ضمان و مسئولیت مدنی نیست؛ چنان که به این امر در ماده ۳۱۵، ۶۱۶ و ذیل مواد ۶۳۱ و ۱۲۳۸ قانون مدنی تصریح شده است. وقتی استناد عرفی وجود ندارد، یعنی اتلاف هم صادق نیست و عنصر تقصیر هم وجود ندارد؛ زیرا مراد طرفداران نظریه تقصیر، وجود تقصیر در ایراد ضرر است، نه تقصیر در استیلا و هنگامی که ایراد ضرر نسبت به خواننده با عنوان رابطه سببیت یا استناد عرفی صادق نیست، تقصیر نسبت به آن هم سالبه به انتفاع موضوع است؛ پس اگرچه لازم است میان ضرر و خواننده، از طریق فعل یا ترک فعل، نوعی رابطه وجود داشته باشد، نوع رابطه در اینجا با رابطه علیت و استناد عرفی متفاوت است و آن رابطه «استیلا» بین خواننده و مال تلف شده است. به نظر می‌رسد حتی در استیلا عدوانی و غاصبانه هم این رابطه مبنای ایجاد ضمان و مسئولیت مدنی است؛ نه تقصیر و عدوان. اما اینکه آیا وجود عدوان و تقصیر عمدی موجب تشدید مسئولیت می‌گردد یا نه و مفهوم قاعده «الغاصب یؤخذ بالاحوال»؛ غاصب به شدیدترین صورت مسئول است، چیست؟ و آیا دلیل محکمی بر اعتبار آن وجود دارد یا خیر؟ امری است که مستلزم پژوهشی مستقل است (خدابخشی، ۱۳۸۹).

۲-۲-۴. استیلا محض غیرعدوانی امانی و با قصد احسان

طبق ماده ۶۱۴ ق.م استیلا امانی موجب مسئولیت و ضمان نمی‌گردد. این حکم بر قاعده فقهی «عدم ضمان امین» مبتنی است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، صص ۲۷-۴۴). طبق این قاعده با وجود وضعیت امانت شخصی که بر مال دیگری استیلا دارد، اصولاً ضامن و مسئول جبران خسارت نیست؛ مگر با وجود شرایطی. نمونه آشکار و مسلم این گونه استیلا محض استیلا مستودع، موضوع ماده ۶۱۴ ق.م؛ و استیلا مستأجر بر عین مستأجره و استیلا قیم یا ولی بر مال صغیر یا موگی علیه، موضوع ماده ۶۳۱ ق.م است. امانت رافع مسئولیت مدنی است و نقش آن ایجاد مصونیت از مسئولیت مدنی ناشی از استیلاست؛ همین‌رو وقتی تعدی و تفریط صورت می‌گیرد، این مصونیت برداشته می‌شود و مسئولیت بر مبنای استیلا محض پدید می‌آید و مؤثر واقع می‌شود و

در نتیجه مستولی باید جبران خسارت کند؛ پس در این مورد نیز استیلا محض سبب و مبنای مسئولیت مدنی است؛ ولی اثر آن با احسان مرتفع شده است. یکی از احکام خاص این نوع استیلا آن است که نمی‌توان در آن مسئولیت امین را شرط کرد؛ زیرا خلاف تکلیف عمومی احسان به دیگران است که یکی از ارزش‌های عام اخلاقی، دینی و انسانی است.

۴-۲-۳. استیلا محض غیرعدوانی امانی بدون قصد احسان

طبق نظر اکثریت فقیهان و حقوق‌دانان وجود قصد احسان و خیرخواهی از عناصر تشکیل‌دهنده وصف «امانت» و «امانی بودن» استیلا نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۲)؛ از این رو این نوع استیلا موجب مسئولیت مدنی و ضمان قهری نمی‌گردد؛ ولی می‌توان در این نوع استیلا مسئولیت مستولی را شرط کرد و مانعی که در مقابل چنین شرطی در استیلا امانی نوع قبل وجود دارد، در اینجا موجود نیست؛ از این رو به نظر می‌رسد شدت و ضعف و قلمرو عدم مسئولیت و مصونیت این دو نوع استیلا با هم مساوی نیست؛ بلکه بر خلاف استیلا امانی بدون قصد احسان، مانند استیلا مستعیر، در استیلا امانی با قصد احسان، مانند استیلا مستودع نمی‌توان علیه مستولی شرط مسئولیت کرد؛ چنان که مواد ۶۴۲ و ۶۴۳ ق.م. شرط مسئولیت نسبت به مستعیر را پذیرفته است؛ به بیان دیگر امین بودن فردی که مال دیگری را با اذن مالک یا شارع و با قصد احسان و خیرخواهی برای مالک در اختیار دارد، جنبه امری دارد و شرط مسئولیت برای وی نسبت به خسارت احتمالی، بر خلاف ارزش اخلاقی احسان و نیکی به دیگران است و مانع گسترش خیرخواهی در جامعه می‌گردد.

۴-۲-۴. استیلا محض غیرعدوانی غیرامانی مقرون به انکار امانت (در حکم غصب)

چنان که گفته شد، این نوع استیلا مطابق ماده ۳۱۰ ق.م. در حکم غصب، یعنی شبه غصب است و بر اساس بند نخست ماده ۳۰۷ ق.م، استیلا در حکم غصب موجب ضمان و مسئولیت مدنی می‌گردد؛ ولی چون «در حکم بودن» و «فرض قانونی غیرقابل

رَد» خلاف اصل است، هم موارد در حکم غضب باید تفسیر مضیق گردد و هم آثار ضمان آوربودن آنچه در حکم غضب است، باید تفسیر مضیق شود.

۴-۲-۵. استیلاي محض غيرعدواني غيراماني مقرون به امتناع از رَد

بر اساس مواد ۶۱۶ و ۷۹۰ ق.م و ذیل ماده ۶۳۱ ق.م، در صورتی که مالک که نخست به وجود مال خود در دست شخصی راضی بوده است، ولی بعد تقاضای استرداد مال خویش را کند، ولی شخصی که آن را در دست دارد، از پس دادن مال غیر امتناع ورزد، مسئول جبران خسارتی خواهد بود که ممکن است به آن مال وارد گردد؛ در این مورد قانون گذار تنها به بیان اصل مسئول و ضامن بودن بسنده کرده و به «در حکم غضب بودن» تصریح نمی کند. به نظر می رسد که در اینجا استیلاي محض در حکم غضب نیست و آثار مسئولیت به شدت مسئولیت ناشی از استیلاي عدواني و غاصبانه نیست.



۴-۲-۶. استیلاي محض غيرعدواني غيراماني با حسن نیت

در دو مورد قبل، اگرچه استیلا بر مال دیگری نخست امانی بوده است، در ادامه با تحقق انکار امانت و یا امتناع از برگرداندن مال مردم، استیلا غيراماني می گردد و چون در آن دو مورد مستولی با وجود علم به اینکه شخص دیگری استحقاق این مال را دارد، به وظیفه اعتراف به امانت و برگرداندن مال عمل نمی کند، با سوء نیت لحاظ می گردد؛ ولی در این مورد مستولی بر مال غیر، از استحقاق دیگری نسبت به مال اطلاعی ندارد؛ بلکه تصور می کند آنچه در اختیار دارد، مال خود اوست؛ از این رو با حسن نیت به شمار می آید. این نوع استیلا در حکم غضب نیست و در نتیجه، ضمان و مسئولیت مترتب بر آن از نوع مسئولیت مطلق نیست؛ بلکه دست کم دخالت عوامل خارجی مانع مسئولیت مستولی می گردند. از جمله دلایل این امر مفاد ماده ۷۹۱ ق.م است که اتلاف عین مرهونه توسط خود راهن یا شخص ثالث را مانع مسئولیت مرتهن مستولی بر عین مرهونه می داند و مانند ضمان مقبوض به عقد فاسد، خریدار مستولی به ویژه از بطلان قرارداد اطلاعی ندارد؛ همچنین ضمان نسبت به مالی که برای بررسی های

قبل از معامله در اختیار گرفته می‌شود (مأخوذ بالسوم). ضمان آور بودن این موارد بر اساس قاعده استیلا (ید)، نظر اکثریت یا مشهور فقهاست. البته گروهی از فقیهان نیز که این موارد را در حکم غصب می‌دانند، از نظر اصل مسئولیت گیرنده را ضامن و مسئول قلمداد می‌کنند، نه از جهت همه آثار و شرایط و ماهیت مسئولیت (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۴۹-۵۲ و ۱۴۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل مفهومی که درباره انواع استیلا، به ویژه استیلای محض صورت گرفت، استقلال «استیلا» در برابر «اتلاف» و «استیفاء» در ایجاد ضمان قهری و مسئولیت مدنی روشن شد. افزون بر اینکه این امر در مواد متعدد قانون مدنی نیز بیان شده است؛ از جمله ماده ۳۱۵ ق.م.تصریح می‌کند که «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد؛ هر چند مستند به فعل او نباشد»؛ همچنین در ماده ۶۱۶ ق.م.آمده است: «هرگاه رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند، از تاریخ امتناع احکام امین به او مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص یا عیبی است که در مال ودیعه حادث شود؛ اگرچه آن عیب یا نقص مستند به فعل او نباشد»؛ همچنین ذیل مواد ۶۳۱ و ۱۲۳۸ قانون مدنی، موضوع مسئولیت مستأجر، ولی و قیمی که دچار تعدی و تفریط شده، به این امر اشاره گردیده است. چنان که بیان شد، «استناد عرفی» یکی از مهم‌ترین معیارها و ضابطه‌های وجود اتلاف است و در قوانین مختلف، از جمله قانون مدنی به آن تصریح شده است. در مواد فوق تأکید شده است که ضمان و مسئولیت مدنی ناشی از استیلا به وجود اتلاف مشروط نیست و روشن است که به وجود استیفاء هم مشروط نیست؛ همچنین در گونه‌های مختلفی از استیلای محض تقصیر هم وجود ندارد؛ بنابراین استیلای محض و عاری از اتلاف و استیفاء مبنا و موجب مستقلی برای ضمان و مسئولیت مدنی است. البته شرایط تحقق این نقش با توجه به انواع استیلا از جهت عنصر روانی دارنده استیلا و مالک مال تا حدودی متفاوت است؛ چنان که در بررسی انواع استیلا و نقش آنها در ضمان و مسئولیت مدنی بیان شد.

فهرست منابع

* قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند).

انصاری، مرتضی (شیخ انصاری). (۱۴۲۴ق). کتاب المکاسب (ج ۳). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
بابایی، ایرج. (۱۳۹۷). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

بجنوردی، سیدمحمدحسن. (۱۴۳۰ق). القواعد الفقهیه (ج ۲ و ۴). قم: دلیل ما.

بروجردی، سیدحسین. (۱۴۱۳ق). تقریرات ثلاث. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

جز، خلیل. (۱۳۶۷). فرهنگ لاروس (ج ۱، مترجم: سیدحمید طیبیان). تهران: انتشارات امیرکبیر.

حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح. (۱۴۲۵ق). العناوین (ج ۲). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی در فقه امامیه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

محقق حلّی، نجم‌الدین. (محقق حلّی) (۱۴۰۳ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (ج ۳). بیروت: دارالاصواء.

خدابخشی، عبدالله. (۱۳۸۹). الغاصب یوخذ باشق الاحوال. فقه اهل‌البیت علیهم‌السلام، شماره ۶۱، صص ۱۳۶-۱۰۷.

رشتی، میرزا حبیب‌الله. (بی تا). کتاب الغصب. بی جا: بی نا.

شهید ثانی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة، قم: کتاب‌فروشی داوری.

شهید ثانی. (۱۴۱۰ق). مسالک الافهام (ج ۷). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

شهید ثانی. (۱۴۱۹ق). القواعد والفوائد (ج ۱). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

صفایبی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی. تهران: سمت.

عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.

غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۲۵ق). حاشیه کتاب المکاسب (ج ۱). قم: پایه دانش.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (ج ۱، ۲ و ۳). قم: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۵ق). القواعد الفقهیه (ج ۱). قم: مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام.

قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی) (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). الزام‌های خارج از قرارداد (غصب و استیفاء) (ج ۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاشف الغطاء، شیخ محمدحسین. (۱۴۲۲ق). تحریر المجله (ج ۱ و ۲). قم: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.

موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). مصباح الفقاهه (ج ۳). قم: سید الشهداء.

نوری، شیخ فضل‌الله. (۱۴۱۴ق). رساله فی قاعده «ضمان الید». قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل (ج ۱۷). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

Campbell Henry. (1993). *Black's Law Dictionary*, 6th Ed, United States, west.

Cane Peter. (1997). *The Anatomy of Tort Law*, Oxford: Hart publishing.

Cornu Gerard. (1996). *Vocabulaire juridique*, sexism' edition, Paris: association Henri capitant.

Horsey K & Rackley. E. (2012). *Tort Law* (3rd ed). London: Oxford University.

References

* The holy Qur'an

- Ansari, M. (2005). *Kitab al-Makasib* (Vol. 3). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
- Babaei, I. (2018). *Civil Liability Law and Non-Contractual Obligations*. Tehran: Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Bejnourdi, S. M. (2009). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah* (Vols. 2 & 4). Qom: Daleel Ma. [In Arabic]
- Boroujerdi, S. H. (1992). *Taqrirat Thalath*. Qom: Islamic Publication Foundation. [In Arabic]
- Campbell, H. (1993). *Black's Law Dictionary* (6th ed.). United States: West.
- Cane, P. (1997). *The Anatomy of Tort Law*. Oxford: Hart Publishing.
- Cornu, G. (1996). *Vocabulaire juridique*, (6th ed). Paris: Association Henri Capitant.
- Fazel Lankarani, M. (2004). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah* (Vol. 1). Qom: Center for the Jurisprudence of the Imams. [In Arabic]
- Fazel Lankarani, M. (2011). *Tafsil al-Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasilah* (Vols. 1, 2, & 21). Qom: Institute for Publication and Printing. [In Persian]
- Gharavi Isfahani, M. H. (2004). *Hashiyah Kitab al-Makasib* (Vol. 1). Qom: Payeh Danesh. [In Arabic]
- Hekmatnia, M. (2007). *Civil Liability in Imami Jurisprudence*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Horse, K., & Rackley, E. (2012). *Tort Law* (3rd ed.). London: Oxford University Press.
- Hosseini Maraghi, S. M. (2004). *Al-'Anawin* (Vol. 2). Qom: Islamic Publication Foundation. [In Arabic]
- Jarr, K. (1988). *Larousse Dictionary* (Vol. 1) (S. H. Tabibian, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Kashif al-Ghita, Sheikh M. H. (2002). *Tahrir al-Majallah* (Vols. 1 & 2). Qom: World Assembly for Proximity among Islamic Schools of Thought. [In Arabic]

- Katouzian, N. (1999). *Non-Contractual Obligations (Civil Liability)* (Vol. 1). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Katouzian, N. (2000). *Non-Contractual Obligations (Ghasb and Istifaa)* (Vol. 2). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Khodabakhshi, A. (2010). "Al-Ghasib Yu'khadh bi Shaq al-Ahwal." *Fiqh Ahl al-Bayt*, 61, 107-136. [In Arabic]
- Mousavi Khoei, S. A. (n.d.). *Misbah al-Fiqhah* (Vol. 3). Qom: Sayyid al-Shuhada.
- Muhaqqiq Helli, N. (2024). *Sharaye' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Adwa. [In Persian]
- Nouri, H. (2000). *Mustadrak al-Wasa'il* (Vol. 17). Qom: Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Nouri, Sheikh F. (1995). *Risalah fi Qa'idah "Dhaman al-Yad"*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Omid, H. (1984). *Omid Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Qasemzadeh, S. M. (2007). *Civil Liability*. Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Rashti, M. H. (n.d.). *Kitab al-Ghasb*.
- Safa'i, S. H., & Rahimi, H. (2011). *Civil Liability*. Tehran: Samt. [In Persian] [In Arabic]
- Shahid Thani. (1991). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lam'ah al-Dimashqiyyah*. Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
- Shahid Thani. (1991). *Masalik al-Afham* (Vol. 7). Qom: Islamic Knowledge Foundation. [In Arabic]
- Shahid Thani. (1998). *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id* (Vol. 1). Qom: Islamic pp.106-130. [In Persian]